



دانشجو مؤیدان جامعه اسلامی

- تحلیل عملیات طوفان الاقصی
- نقش مبانی فکری در جنبش دانشجویی
- ۱۶ آذر؛ روز دانشجو
- ایجاد گفتمان سازی در سطح جامعه
- انسان؛ موجودی بی نهایت طلب



سرمقاله

تحلیلی بر عملیات طوفان الاقصی

خشم و غرور فلسطین در نقطه برگشت ناپذیر

جنبش دانشجویی!

جریانی که آفت سطحی نگری همچون انگلی نفرت بار به پیکره آن چسبیده و جوهره وجودی آن را می‌مکد. وظیفه دانشجو در این باره چیست؟ بدون آنکه دستش بلرزد تیغ بینش را برداشته و این انگل را جدا کند تا جریان‌های فکری در دانشگاه با عمق بیشتر جاری شده و فضای آموزش عالی کشور را گلستان کنند. آفت این مسیر سطحی‌نگریست. بخش قابل توجهی از این سطحی‌نگری ناشی از حمله همه جانبه جریان‌های رسانه‌ای سلطه طلب به سرکردگی استکبار جهانی است که نه فقط برای دانشجویان ایرانی بلکه برای هر دانشجویی حق طلبی در جهان تبدیل به یک مُسکنِ مخدر شده است که اجازه نمی‌دهد دانشجو فرصت تفکر و تحلیل پیدا کند. سکوت و بی تفاوتی دانشجو نسبت به وقایع پیرامون خودش، نسبت به ظلم استکبار جهانی، فقط و فقط در راستای منافع این جبهه‌ی منحوس و باطل یعنی استکبار است. دشمن در تلاش است تا ذائقه حق طلبان را تغییر دهد و فرصت تحلیل را از آن‌ها بگیرد، می‌خواهند انسان‌ها را به دیدن محتوای چند ثانیه‌ای و بعد به سراغ محتوای بعدی رفتن عادت دهند. این همان داستان آندلس است؛ اما این بار در ابعاد جهانی. باید از تاریخ درس گرفت و در مقابل رخنه‌هایی از این جنس ایستادگی کرد. ایستادگی از جنبش دانشجو؛ دانشجو نباید خام شود، باید خود را بیدار نگاه دارد و در خواب رسانه‌ای فرو نرود. اینجا همان کوه احد زمانه است که نباید آن را رها کنیم. با سیری در تاریخ جنبش دانشجویی و توجه به آزادگان حق طلبی چون شهیدان مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی، که حاضر نبودند در مقابل استبداد و استعمار مدرن سر خم کنند و در این راه جان خود را فدا کردند، می‌توان در این مسیر ایستادگی کرد. این شهدا الگوی حقیقی جنبش دانشجویی هستند.

✍️ دبیر جامعه اسلامی دانشجویان

۷ اکتبر برای صهیونیست‌ها یادآور ایام تلخ و خفت بار جنگ کیهن‌ساز در سال ۱۹۷۳ است. جنگی که مصر و سوریه با غافل‌گیری تمام در روزی که صهیونیست‌ها در تعطیلات عید بودند، آغاز کردند و ضربات سنگینی را به رژیم صهیونیستی وارد کردند، هر چند نهایت آن جنگ برای ۲ ارتش عربی اشغال بخش‌هایی از آن ۲ کشور عربی بود. درست در روزی که یادآور آن ایام بود، صبحگاه روز ۷ اکتبر، نیروهای کتائب القسام در یک عملیات دقیق و هماهنگ ضمن عبور از مرزهای غزه و حدود امنیتی فیزیکی و الکترونیکی آنجا، از زمین و هوا - با پاراگلایدر- و زیر زمین وارد سرزمین‌های اشغالی شدند، و در کمتر از نیم ساعت حدود ۵ هزار راکت (۱) و موشک به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک کردند. همچنین چندین شهرک و پاسگاه‌های نظامی را آزاد کردند.

عملیاتی که در تاریخ مقاومت فلسطین بی‌سابقه است و دستاوردهای ماندگاری را به دنبال خواهد داشت. این عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز، مسیر تاریخ فلسطین را ورق زد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح فرمودند: «در این قضیه‌ی پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است. من می‌گویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست... من عرض می‌کنم از شنبه‌ی پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است به این آسانی قابل جبران نیست.» ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

پس از عملیات ارتش‌های عربی مصر و سوریه در اکتبر سال ۱۹۷۳ که همراه با ورود به سرزمین‌های اشغالی بود، این نخستین عملیات ضد اسرائیلی با ابعاد گسترده است که به‌سوی داخل سرزمین‌های اشغالی و آفندی بوده و این مسئله وجه تمایز دیگری نسبت به سایر عملیات‌های گروه‌های مقاومت اسلامی با رژیم صهیونیستی و نیز گام بسیار بزرگ روبه‌جلو است.

تصاویر فرار صهیونیست‌ها با لباس شخصی، کشته شدن سربازان مرزی، غنیمت گرفته شدن ماشین و حتی تانک‌های اسرائیلی در پاسگاه‌های مرزی همگی نشان از عمق غافل‌گیری صهیونیست‌ها دارد.

حملات غافل‌گیر کننده طوفان الاقصی، دولت نتانیاهو و در حقیقت کلیت رژیم صهیونیستی را برابر یک شکست اطلاعاتی و امنیتی قرار داد، به گونه‌ای که در روزها و ساعات قبل از آغاز طوفان، هیچ نشانه‌ای از طرف اسرائیلی دال بر پیش‌بینی چنین حمله‌ای و به تبع آن آمادگی لازم برای مقابله با آن وجود ندارد.

اما چرایی اقدام مقاومت را می‌توان در پیام صوتی بی‌سابقه محمد ضیف پیدا کرد. محمد ضیف رهبر نظامی دوست داشتنی و محبوب فلسطین در پیامی به خوبی دلیل این اقدام را توضیح داد: «زنان معتکف در مسجداقصی را مورد حمله قرار دادند و حرمت این مسجد را زیر پا گذاشتند در حالی که قبلاً به آن‌ها هشدار داده بودیم. دشمن اشغالگر به مسجداقصی دست درازی کرده و به معراجگاه پیامبر اسلام (ص) هتاکی کرد. صدها فلسطینی امسال در نتیجه جنایات اشغالگران صهیونیست شهید و مجروح شدند. دشمن پیشنهاد ما برای مبادله انسان دوستانه اسرا را نپذیرفت و هر روز جنایات آن در کرانه باختری ادامه دارد. آغاز عملیات «طوفان الاقصی» را اعلام می‌کنیم.»

پس می‌توان خط قرمز مسجداقصی (مانند نبرد سیف القدس در رمضان ۲۰۲۱)، جسارت به مرابطین و عدم تن دادن رژیم صهیونیستی به تبادل اسرا را ۳ دلیل شروع نبرد مقاومت دانست. طوفان الاقصی نتیجه مستقیم کردار صهیونیست‌ها در ۷ دهه اشغالگری است. ظلم و هتک حرمت‌ها از دهه ۱۹۳۰ میلادی، اشغالگری و اجبار اهالی فلسطین به مهاجرت و جایگزین کردن قومی به جای آنها با زور اسلحه، ریشه اصلی خشم و کینه ملت فلسطین است. خشمی که نه تنها در سینه‌ها نمانده، بلکه به‌واسطه استمرار آن به صورت مستمر تازه و تازه‌تر هم شده است.

ظلم و اشغالگری صهیونیست‌ها نه مربوط به سال ۱۹۴۸ و نه مربوط به جنگ خونین ۲۰۱۴، بلکه روزانه و ساعت به ساعت بوده است. «النکبة مستمرة» بهترین کلمه برای وصف آن چیزی است که صهیونیست‌ها چندین دهه بر سر ملت فلسطین آورده است. این ظلم متداوم از اسارت گرفتن‌ها، از شهرک‌سازی‌های پایان ناپذیر، از شهادت کودکان و زنان و... خون هر انسان آزاده‌ای را به جوش می‌آورد.

طوفان الاقصی به خوبی نشان داد که فلسطین در مسیر بازیابی هویت خودش می‌ایستد و نتیجه می‌گیرد. رهبر انقلاب سه روز پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی فرمودند: «ملت فلسطین را نشناخته‌اند، ملت فلسطین را دست کم گرفته‌اند؛ اشتباهشان در همین است؛ اینجا هم محاسبه‌ی غلط می‌کنند. البته همه‌ی دنیای اسلام موظف است که از فلسطینی‌ها حمایت کند و باذن‌الله حمایت هم خواهد کرد، اما این کار، کار خود فلسطینی‌ها است؛ طراحان هوشمند، جوانان شجاع، فعالان ازجان گذشته توانسته‌اند این حماسه را به وجود بیاورند و این حماسه ان‌شاءالله گام بزرگی برای نجات فلسطین خواهد بود.» ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

عنصر سازندگی



باید اهمیت و اثر کار تشکیلاتی در زندگی افراد بروز و ظهور داشته باشد. اعضا در تشکیلات با خصیصه‌هایی آشنا می‌شوند که با آن جهت گیری می‌کنند (صد البته باید کلاهمان را قاضی کنیم که این جهت گیری صحیح و بر مبنای حق باشد). زندگی و آینده افراد تحت تاثیر این ویژگی‌ها قرار می‌گیرد. فرد را از خلوتی بی ثمر به درون اجتماعی پربار می‌کشاند و با سرانجامی مثال زندی روبه رو می‌کند.

تشکیلات به میدان مبارزه با حواشی دروغ، تفرقه افکنی، بتهای خیالی و دنباله روی‌های کورکورانه بدل می‌شود. مشابه دانشگاهی که زمینه ساز تفکرات سالم و انقلابی است عمل می‌کند و در آن جوانه می‌زند ذهن‌های تازه و پربار و آن را با چالش‌هایی از جنس بلور آشنا می‌کند که حل آن ارتقاء می‌بخشد به توانایی‌ها. همراه می‌کند افراد مختلف را با عقیده راستین خود. جان می‌بخشد به مسئولیت‌های داوطلبانه. معنا می‌کند اتحاد، همکاری و همفکری را. کلماتی که به ظاهر ساده و روان اما دریایی از تجربه‌ها، نگرانی‌ها و توکل‌ها را در خود دارند. تمایز قائل می‌شود بین اهم و مهم؛ اولویت‌ها را تشخیص می‌دهد. تعادل برقرار می‌کند بین کارجمعی، تحصیل و خانواده. از تجربه‌ها و راهنمایی‌های دیگران استفاده می‌کند، بهره می‌برد و منتقل کننده تجربه‌ها است. آگاهی پذیر و القاءکننده آگاهی است.

و این می‌شود که یک تشکیلات پویا و جهادگر عنصر سازندگی افراد می‌شود.

عظیه امامی

محمد حسین ندافی

به نام علم

شهید فخری زاده

ایران را ترور کند اما موفق نشد. وبگاه صهیونیستی والا نیوز گزارش داد عوامل موصاد تلاش کرده‌اند یک دانشمند هسته‌ای ایرانی به نام محسن فخری زاده مه‌بادی را ترور کنند. سرانجام پس از حدود ۱۲ سال تحت الحفظ بودن عوامل موصاد توانستند او را ترور کنند. عصر یک روز پاییزی یک دستگاه خودروی وانت نیسان در کنار جاده‌ای در شهر آبسرد دماوند پارک می‌شود، در قسمت بار این وانت مصالح ساختمانی و چوب بار زده شده بود اما در زیر این مصالح یک تیربار خودکار کالیبر ۷.۶۲ قرار داشت. تیرباری که توسط یک سیستم هوشمند ماهواره‌ای کنترل می‌شد. محسن فخری زاده همراه خانواده وارد جاده آبسرد می‌شود و تیربار با کنترل از راه دور اقدام به شلیک ۱۳ گلوله می‌کند. اکثر این گلوله‌ها به شهید فخری زاده برخورد می‌کند و سبب شهادت او می‌شود. لحظاتی بعد نیسان با هدف از بین بردن شواهد و قطع دسترسی به محل ترور منفجر می‌شود. طبق گفته مسئولان حدود ۶ تا ۱۲ نفر عوامل این ترور بودند که هیچ کدام در زمان ترور در ایران حضور نداشتند. شهادت محسن فخری زاده باعث شد یکی از برجسته‌ترین دانشمندان ایران را از دست بدهیم. اما این بخش ماجرا که بسیاری از ما تا قبل از شهادت او نامش را نشنیده بودیم نشان می‌دهد ایران همواره شخصیت‌های بزرگی دارد که کمتر کسی آنها را می‌شناسد.

هفتم آذر ۱۳۹۹ یک دانشمند ایرانی در محدوده شهر دماوند ترور شد. با اعلام نام دانشمند ترور شده، اولین سوالی که برای مخاطب ایجاد شد این بود که محسن فخری زاده که بود و چرا باید ترور می‌شد؟ در نخستین خبرهای اعلامی فخری زاده را معاون وزیر دفاع و رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع معرفی می‌کردند اما کم کم ابعاد تازه‌ای از شخصیت او منتشر شد. محسن فخری زاده جزو ۵ فرد ایرانی بود که نشریه فارین پالیسی نام آن‌ها را در میان لیست ۵۰۰ نفره قدرتمندترین افراد جهان منتشر کرد. نام او در فهرست افراد تحریم شده آمریکا قرار داشت و نتانیاهو در سال ۲۰۱۸ در یک کنفرانس خبری نام او را دو بار برد و گفت دکتر محسن فخری زاده رئیس پروژه آماد، نام او را به یاد داشته باشید. همه این موارد برای فعالیت‌های او در صنعت هسته‌ای ایران بود. او در جلسات متعدد با دانشمندان دیگر از جمله شهیدان شهریاری و علی محمدی که سه سال طول کشید نقشه راه توسعه صنعت هسته ایران را تهیه کرد. او در تحول صنعت هسته‌ای نقشی اساسی داشت. اما فخری زاده فقط در صنعت هسته‌ای فعال نبود. سال ۹۸ که ایران درگیر کرونا شد و مشکلات اساسی در ماجرای کیت‌های تشخیص و تولید واکسن وجود داشت، محسن فخری زاده وارد عمل شد. نقشه ترور او به سال‌ها قبل برمی‌گردد؛ اولین بار سال ۸۷ تیمی ترکیبی از منافقین و ضد انقلاب تا موصاد و سیا و ام آی سیکس نقشه ترور او را کشیدند که ناکام ماند. سال ۹۷ هم موصاد اعلام کرد که تلاش کرده است یک دانشمند هسته‌ای

ریحانه ی رسول

زهرا یوسفی

تازینای کینه را به جان خرید تا تند باد انکار، شمع حقیقت را خاموش نکند. زهرا (س) الگو و معنای واقعی زن بودن است؛ زنی که می‌تواند مایه‌ی اصلاح جامعه باشد. آسایش خانواده که آرامش و قوت خانواده به برکت طبیعت زنانه‌ی اوست. سیره‌ی زندگی ایشان چراغ راهی است برای خلق ظریف ترین، مادرانه ترین و ماندگار ترین نقش‌ها در سیر زندگی بشریت و تاریخ سیاسی و اجتماعی دنیا. در اسلام وقتی می‌خواهند برای مؤمن نمونه‌ای مشخص کنند، زنی را مثال می‌زنند و چه نمونه‌ای کامل تر و زیباتر از زهرا اطهر! فاطمه زهرا (س) نشان داد که زن می‌تواند به مرتبه عالی عصمت برسد، راهی که به فضل الهی امروز پیش روی ماست، همان راه حضرت زهرا (س) است: خودسازی و جهان سازی. (مقام معظم رهبری مدظله العالی)

آه ای ریحانه رسول! بس که غربتت را در زمین با آسمان تقسیم کردی، دیگر آسمان تاب تحمل این همه مظلومیت را نیاورد. به راستی وجود آسمانیت چه جایی از زمینیان تنگ کرده بود که آن را تاب نیاوردند؟ تو را به عشق علی، به نورچشمی‌هایت قسم ما را دریاب که بی مهر تو، بدون سایه ی چادر خاکی تو، هیچ هیچ هیچیم.

برای شما می‌نویسم مادر جان!

برای شما که نامتان عرش را به گریه می‌اندازد:

ریحانه‌ی رسول (ص)

گرچه زمینیان حرمت نامتان را نگاه نداشتند، شما به حرمت مولایمان دستمان را بگیرید.

از زهرا می‌نویسم؛ صدیقه‌ی کبری، نورچشم نبی، ملجاء خستگی‌های علی، امید زینب، مونس حسن و غمخوار حسین ...

فاطمه معنای زن بودن، آنچنان که اسلام می‌گوید، است؛ مظهر زن مبارز، مسئول و مظلوم در برابر سرنوشت جامعه. بانویی که در حجره‌ای کوچک و خانه‌ای محقر اما سرشار از عشق، انسان‌هایی را تربیت کردند که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک را روشن کرده است.

شخصیت زهرا اطهر (س) را باید با نگاهی نو و دقیق شناخت. شخصیت برجسته‌ای که تمام کودکی‌شان را در آغوش پدری گذراندند که زمینه ساز تحولی عظیم و ماندگار شدند. بانویی که سختی‌های زندگی در شعب ابی طالب را چشیدند، پا به پای مبارزات پدر و همسر مردی که تمام زندگی‌اش در جهاد فی سبیل الله سپری شد. پناه غربت و انگیزه‌ی راه مردش بود و دامن پرمهرش، بستر پرورش بزرگترین الگوهای جهان اسلام شد. زهرا صبر لایزالی بود که سیلی ستم و

نقش مبانی فکری در حرکت جنبش دانشجویی

گفتگویی با هیئت موسس تشکل جامعه اسلامی دانشگاه شهر کرد

علی رحیمیان

به نظر شما رابطه ی تربیت نیرو با مبانی معرفتی چیست؟

هر حرکت بدون داشتن مبانی قوی و مستحکم محکوم به فنا است؛ چرا که با اولین ترید و شکی که در فرد ایجاد میشود کل حرکت را زیر سوال می‌برد؛ هر چند این تغییر یک فرایند است نه یک جرعه ولی اگر مبانی مستحکم شد، به این راحتی‌ها دچار تزلزل نخواهیم شد. حضرت آقا در دیدارهای مختلف از گذشته تا امروز بارها در دیدارهای دانشجویی بر ضرورت تقویت مبانی معرفتی دانشجویان تاکید داشتند؛ از جمله در دیدار رضانی امسال فرمودند: «اگر مبانی معرفتی یک جوان، بخصوص جوان دانشجوی مستحکم باشد، دل او قرص میشود، گام او استوار میشود، حرکت او استمرار پیدا میکند، دیگر خستگی وجود ندارد. اطمینان دل موجب میشود که ایمان هم افزایش پیدا کند، خود ایمان اطمینان می‌آورد؛ اطمینان دل و سکینه‌ی قلب هم ایمان را افزایش میدهد. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِيدُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ (۳) قبلاً مؤمن بودند اما وقتی این آرامش قلبی را خدای متعال به آنها داد به خاطر تکیه‌ی به واقعیات معنوی و الهی، این ایمان افزایش پیدا میکند.» در برهه‌های مختلف تاریخ انقلاب بودند جریان‌ها و گروه‌هایی که به دلیل ضعف مبانی، به کل سابقه و تلاش‌های خود پشت کردند و به تعبیر قرآن «هَبَاءٌ مَّنْثُورًا» شد.

راهکارهای شما برای بازیابی فکری جنبش دانشجویی و تعمیق اندیشه‌ها چیست؟

مهم‌ترین کار در بحث تقویت مبانی، رجوع به منابع معتبر و دست اول است؛ حضرت آقا در همین دیدار امسال با نام بردن از آثار بزرگانی چون شهید مطهری، شهید بهشتی و مرحوم آقای مصباح آن هم نه برای مرتبه اول بلکه در تکرار چندباره این منابع دست اول را مشخص کردند؛ البته علاوه بر مطالعه این آثار باید برنامه تلاوت قرآن و مطالعه نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه نیز در برنامه باشد چون که تقویت و مطالعه زمانی می‌تواند راهگشا باشد که در کنار آن به خودسازی و معارف دینی اهتمام ویژه داشته باشیم.

یکی از مهمترین دوره‌ها برای کمک به تقویت مبانی، دوره طرح ولایت است که در سال‌های اخیر گسترش کمی بسیار خوبی داشته است و علاوه بر دوره‌های حضوری، چندین دوره مجازی آن نیز برگزار شده است؛ این دوره چند شاخصه اساسی دارد که از دیگر دوره‌ها آن را متمایز می‌کند؛ نخست آنکه این دوره تحت نظر فقیه متفکری با سابقه تشکیلاتی تدوین شده است و خود ایشان این دوره را ثمره عمر هفتاد ساله خود در حوزه علمیه برشمرده‌اند؛ دوم، بارها در سال‌های مختلف مورد تأیید حضرت آقا قرار گرفته است؛ سوم آنکه مباحث دوره دائماً در حال ویرایش و به‌روزرسانی است؛ و چهارم آنکه در این دوره روش مقابله با سوال‌ها و مسائل جدید آموزش داده می‌شود و به نوعی یک خود ایمنی برای دانش‌پژوه ایجاد می‌شود. باتشکر از زمانی که به ما اختصاص دادید.

امید است با پیروی از بیانات حضرت آقا و به کمک تجربیات ادوار جنبش دانشجویی شاهد شکوفایی و رشد بیش از پیش جریان دانشجویی باشیم.



..... جماعت دانشجو و مجموعه‌های دانشجویی به یک تفکر زیربنایی محکم احتیاج دارند. این نیاز قطعی آنها است؛ این نصیحت همیشگی من بوده؛ باز هم من همین را می‌خواهم تأکید کنم. اگر مبانی معرفتی یک جوان، بخصوص جوان دانشجوی مستحکم باشد، دل او قرص میشود، گام او استوار میشود، حرکت او استمرار پیدا میکند، دیگر خستگی وجود ندارد.....» این بخشی از سخنان گوهرپار رهبری در دیدار امسال خود با دانشجویان است، بی شک داشتن یک مبانی فکری مستحکم از نیازهای عمیق جنبش دانشجویی است که متأسفانه در سال‌های اخیر با غفلت مواجه شده است، حال قصد داریم به سراغ یک از ادوار تشکل جامعه اسلامی برویم و نظر ایشان را راجع به این مسئله یعنی نقش مبانی فکری در قشر دانشجو را جویا شویم.

سلام و عرض ادب، تشکر می‌کنم که دعوت ما را برای انجام مصاحبه پذیرفتید، لطفاً خودتان را معرفی بفرمائید

سلام و خداقوت، خواهش میکنم انجام وظیفه بود.

من محمد طاهری تینجانی، ورودی ۸۴ رشته مکانیک دانشگاه شهرکرد هستم؛ در ابتدای ورود به دانشگاه عضو بسیج دانشجویی شدم و یک سال هم عضو شورای حوزه شهید علم الهدی دانشگاه شهرکرد بودم؛ بعد از یکی دو سال به دلیل فضای سازمانی بسیج و ایجاد زمینه برای فعالیت وسیع‌تر با جمعی از دوستان تصمیم به تاسیس تشکل جامعه اسلامی دانشجویان در دانشگاه گرفتیم و به لطف خدا در شهریور ۱۳۸۷ دفتر مجوز فعالیت گرفت و مشغول به کار شد.

یک سال دبیر جاد شهرکرد بودم و سال بعدش در انتخابات اتحادیه شرکت کردم که به عنوان نفر علی‌البدل انتخاب شدم و پس از استعفای یکی از دوستان به شورای مرکزی اتحادیه اضافه شدم و در آن شورا مسئولیت واحد روابط عمومی و قائم مقامی واحد آموزش را عهده دار شدم. در این مدت همایش آموزشی سالیانه اتحادیه را با همکاری دوستان در شهر همدان برگزار کردیم که تجربه گران سنگی برای بنده بود. بعد از فارغ التحصیلی دوره کارشناسی، ارشد تبدیل انرژی خواندم و در سال ۱۳۹۷ هم ارشد اقتصاد اسلامی خواندم؛ که سال گذشته فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر هم عهده دار مدیریت شرکت زمزم اصفهان هستم.

به نظر شما هدف و رسالت جنبش دانشجویی چیست؟

اساساً تشکل‌های دانشجویی دو وظیفه غایی دارند؛ اول تربیت نیرو، دوم ارتباط مؤثر با بدنه جامعه و آحاد امت اسلامی؛ این که آن شهید بزرگوار می‌فرمایند دانشجوی مؤذن جامعه است بدان جهت که به دلیل قرارگیری در نقطه حساس ارتباط با نخبگان و مردم نقشی تأثیرگذار خواهد داشت چراکه تبیین و آگاه‌سازی جامعه تنها با ارتباط چهره به چهره و گفتگو شکل می‌گیرد. حال اگر دانشجویان از این نقش خود غفلت کنند و سرگرم روزمرگی‌ها و دنیاخواهی شوند به مرور این خط ارتباطی مختل خواهد شد و فجایعی مثل اتفاقات و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ رخ خواهد داد؛ بدتر آنکه همین دانشجویان و پیشروان خودشان آتش بیار معرکه‌ای شوند که قرار بود تبیین گر آن باشند مانند اتفاقات غم‌انگیز دانشگاه صنعتی شریف.

حال به وظیفه اول دانشجویان برگردیم؛ یعنی تربیت نیرو. اهمیت این موضوع به قدری است که مهم‌ترین ضعف در نظام اسلامی طی ۴۰ سال گذشته در همین بخش بوده است و اگر مجموعه‌هایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معدود مجموعه‌های دیگر نبودند، قطعاً این مشکل حادث‌تر از وضعیت امروز بود. ما نیاز داریم به تربیت نسلی فعال، پیشرو، آگاه، مؤمن و... که قطار انقلاب را به پیش ببرند و اینجاست که نقش دانشگاه و تشکل‌های دانشجویی به عنوان مجموعه‌های مرتبط با نسل جوان بیش از دیگران است؛ اگر از فرصت دانشجویی استفاده نشود، بعد از آن خیلی سخت می‌شود روی افراد تأثیر گذاشت.

مهم‌ترین بخش‌ها در تربیت نیرو هم برمی‌گردد به تقویت مبانی معرفتی نسل جوان؛ همان بحثی که در ابتدای این سوال بدان پرداخته شد. اگر دانشجو را به یک درخت تشبیه کنیم و ابعاد مختلف معنوی، معرفتی، تحصیلی و...

سهم مبانی معرفتی در فعالیت‌هایی دانشجویی چیست؟

چراکه یکی از اهداف جامعه اسلامی تربیت نیروی تراز انقلاب است،

جستاری در باب رسالت دانشجویی

فاطمه صابری

بیان اهمیت نقش و جایگاه دانشجو



خدمت به کشور کسب علم ودانش ومجهز شدن به سلاح علم برای پیشرفت کشور است. این فرد بعد از بدست آوردن تخصص حاصل از این کسب علم، آن را در راه خدمت به دین و کشورش بکار می گیرد. آرمانگرا و آرمان خواه است اما آرمانش فرق دارد با مکاتب دیگر از جمله مکاتب غربی که به انسانگرایی و مادی گرایی و لذت گرایی خلاصه می شود؛ آرمان او از جنس نامیراست؛ از جنس شکوفایی و امید است. دانشجوی انقلابی با الگو شدن برای دیگران می تواند نسل پربار آینده را تربیت کند. آینده‌ای که به دست توانای حضرت مهدی (عج) رقم خواهد خورد ان شاء الله...

مقام معظم رهبری:

(من همه‌ی دانشجویان را به «دانشجویی» به معنای واقعی کلمه - یعنی دنبال علم رفتن - و به فعالیت‌های متناسب با دانشجویی دعوت می‌کنم.)

دانشگاه دربرگیرنده قشری به نام دانشجویست؛ موثرترین عنصر عرصه‌های مختلف در روزگار ما که در مسیرانقلاب خدمات ارزشمندی را انجام داده و راه گشای مسائل بسیاری بوده. توانمندی، تحرک و شادابی دانشجو از الزامات جنبش‌های اجتماعی و تحولات بنیادین جوامع است و از همین رهگذر احساس وظیفه ومسئولیت هر دانشجو بسته به میزان فهم ودیدگاه او با فرد دیگر متفاوت است. اما داستان از آنجا شروع می‌شود که انتظار بیشتری از دانشجویان انقلابی می‌رود. این قشر همواره مورد توجه رهبر فرزانه انقلاب بوده است. در بیان اهمیت نقش و جایگاه دانشجو می‌توان چنین عنوان کرد که سازندگی هر کشور و جامعه می‌تواند به وسیله این قشر توانمند و متفکر تامین شود. دانشجو مبدأ کارهایش را تعقل قرار می‌دهد و سخنانش را بر مبنای منطق واستدلال قرار می‌دهد و احساسات در تصمیمات او راهی ندارد. او به خوبی می‌داند تصمیمات غیرعقلانی واحساسی چون خانه ویرانه‌ای است که از پای بست ویران است. دانشجوی تراز انقلاب اخلاق مدار، صبور و پذیرای شنیدن انتقادهای و مطالب مخالف با نظر خود است و تلسط کامل بر موضوع مورد بحث را داراست و این طرز تفکر به عقلانیت او عمق می‌دهد. بنابراین او در رسیدن به اهداف والایش از جمله عدالت و پیشرفت کشور و مقابله با دست درازی مستکبران به میهنش آماده وپیش‌تاز است و راه پیشرفت جامعه خود را پیروی از الگوهای غربی نمی‌داند و خودش نسخه پیشرفت کشورش را می‌سازد؛ بدون هیچ وابستگی. دانشجو هدفمند است و باید ونباید‌های زندگی خود را به خوبی می‌داند. چنین دانشجویی تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، زندگی شغلی، روابط با خانواده و با دیگران را در مسیر درستش پیش می‌برد و این‌ها را از هم جدا نمی‌داند بلکه شیوه اسلامی را در همه این ابعاد دنبال می‌کند و به خوبی وظیفه خود را در تمام این زمینه‌ها می‌شناسد. چنین شخصی برنامه محور و وظیفه محور است و آنچه را که در توان دارد در مسیر هدف والای خود بکار می‌برد و وظیفه و مسئولیت خود را به نحو احسن انجام داده و در کنار آن توکل و توسل را هم دارد. این موضوع برای او به خوبی روشن شده است که مشغولیت به زندگیش، شغلش و... نباید او را نسبت به مسائل اجتماعی وسیاسی بی تفاوت کند بلکه باید نسبت به ریزترین مسائل سیاسی تحلیل داشته باشد و فعال و مطالبه گر باشد نه منفعل و تاثیر پذیر. او به خوبی می‌داند بهترین راه

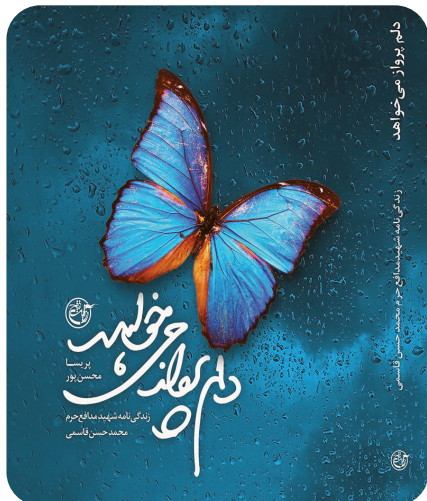
دل‌پرواز می‌خواهد

روایت شهید مدافع حرم محمدحسن قاسمی

فرسنگ‌ها آن سوی وطن خود باشی. اگر جانی در خطر است چه فرقی دارد هم وطنت باشد یا کسی هزاران کیلومتر دورتر از آن در جایی دیگر از جهان جان؟ جان انسان‌ها همیشه با ارزش است... مطالعه این کتاب را به همه دانشجویان مخصوصاً افرادی که در حوزه ادبیات پایداری و خاطرات جنگ تحمیلی مطالعه می‌کنند پیشنهاد می‌کنیم

کتاب دل‌پرواز می‌خواهد نوشته خانم پریسا محسن پور چاپ انتشارات روایت فتح است. این کتاب در مورد خاطرات و زندگی نامه شهید مدافع حرم، شهید محمد حسن قاسمی، است که در سال ۱۳۹۵ به شهادت رسید. گزیده‌ای از این کتاب ارزشمند در سطور ذیل عنوان می‌شود:

«من محمد حسن قاسمی فرزند حاج منصور متولد هفدهم فروردین ماه سال ۱۳۶۹ پسر ارشد و فرزند سوم خانواده، پای ثابت هیئت «پازهرا (س)» شهرکرد هستم و از ۴ سالگی که لیز خوردم و در حوض مسجد افتادم شدم بچه مسجدی پر و پاقرص مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام. بعد از تمام شدن دانشگاه در رشته هوشبری و اتمام خدمت سربازی، دوره تربیت پاسداری را در دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام گذراندم و به عنوان کارشناس بیهوشی در تهران مشغول به کار شدم. ما بعد قطعنامه‌های وقت به دنیا آمده‌ایم که جنگ تمام شده بود. حتی امام را هم ندیده‌ایم ما غایبان همیشه حسرت به دل بودیم اما در سوریه سر بزنگاه رسیدیم. از سال ۱۳۹۴ با نام جهادی دکتر قاسم به عنوان مسئول بیمارستان الحاضر کمر همت بستند و...» قسمت دیگر از کتاب دل‌پرواز می‌خواهد می‌خوانیم: «دنیا را ساخته‌اند که انسان ساخته شود وگرنه زادن آدمیزاد که دشوار نیست، انسان باش و انسان‌ها را دوست بدار حتی اگر



ایجاد گفتمان سازی در سطح جامعه

علی رحیمیان

رویکرد مرسوم در جامعه (شود) فرهنگ گفتگو است، گفتگویی در فضایی منطقی و به دور از احساسات و جهت گیری هاست ما در کشورمان مسائل زیادی داریم که باید حل شود و حل آن نیازمند گفتگو و شنیدن نظرات مختلف در فضایی منطقی و به دور از احساسات و جهت گیری ها در مورد آن مسئله است. متأسفانه شاهد آن هستیم که در جامعه بعضی از بزرگان علمی و سیاسی نمی توانند در مورد یک مسئله مشخص باهم گفتگو کنند آن وقت چه انتظاری از مردم عادی می رود؟! اما این موضوع را می توان با بسترسازی مناسبی از سطح دانشگاه شروع کرد و آن را به سطح مردم جامعه انتقال داد، به عنوان مثال کرسی های آزاد اندیشی که رهبری به آن تاکید دارند وسیله ای است که این گفتگوی سالم و بدون حاشیه تبدیل به گفتمان شود و چه بستری بهتر است دانشگاه که به قول حضرت امام خمینی (ره): اگر دانشگاه اصلاح شود، جامعه اصلاح می شود. این اصلاح باید در تمام ابعاد دانشگاه رخ دهد که یکی از مهم ترین آنها بعد نگرشی آن است اگر بعد نگرشی تصحیح شود جهت گیری های جنبش دانشجویی هم اصلاح می شود، اصلاحی که از ایجاد بستر گفتگو در دانشگاه و گفتمان سازی و سطح جامعه شروع می شود و امید است که بار دیگر جنبش دانشجویی با اصلاح رویکردها و دیدی جامع نسبت به مسائل مهم کشور و تغییر شرایط بپردازد

حرکت دانشجویی در طی سال های اخیر دچار تغییرات بسیاری شده است، دگرگونی هایی که اگرچه سبب شده جنبش دانشجویی جهت گیری های درست و غلطی داشته باشد ولی سبب تحلیل این پیکره عظیم شده، آری جنبش دانشجویی مانند انسانی است که در تب و تاب تحولات سیاسی دچار زخم های زیادی شده، زخم هایی که مرهم اش توجه مسئولین به مطالبات دانشجویی است، مطالباتی که گرچه در نگاه اول آرمانی به نظر می رسد ولی همین آرمان خواهی هاست که مانند نیروی محرکه ای به پیشرفت کشور کمک می کند. آرمان خواهی در کلام معظم رهبری به عنوان اولویت اول قشر دانشجو بیان می شود. اما فارغ از آرمان خواهی که لازمه ی حرکت دانشجویی است، شناخت صحیح مسائل و جهت گیری درست دانشجویان از اهمیت زیادی برخوردار است. بخش دیگری از این از این آسیب شناسی به نقش قشر نخبگانی جامعه و دانشجویان در تعمیق اندیشه ها و تصحیح رویکردها و گفتمان سازی مباحث کلیدی جامعه اسلامی بر می گردد. اما یکی از مواردی که بارها در صحبت های حضرت آقا به آن اشاره شده است گفتمان سازی است. گفتمان سازی به تعبیر ایشان یعنی یک باور یا یک مسئله باره ها به نحوی در جامعه بیان شود که تبدیل به یک دیدگاه مرسوم بین مردم جامعه شود ایشان در این رابطه می فرمایند: خواهش من این است که جریانهای دانشجویی به گفتمان سازی اهمیت بدهند. مسائل نظام را استخراج کنید، فکر کنید، راه حل های سنجیده و قوی پیش بینی کنید، اینها را مطرح کنید (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان سال ۹۹) یکی از مواردی که نیاز است تبدیل به گفتمان شود (یعنی تبدیل به یک باور و

۱۶ آذر؛ روز دانشجو

آرش فیضی

پیشینه واقعه ۱۶ آذر و مصاحبه با دانشجویان

همچنین لازم است سرویس از خوابگاه های قائم ولایت برای دانشکده دامپزشکی باشد. علاوه بر آن به تشکل های دانشجویی بیشتر بها داده شود و در برنامه های پیشنهادی از آنها حمایت شود، چه حمایت مالی و امکاناتی، و چه حمایت فکری و روانی.

سلام علی اقدامی هستم مهندسی عمران ۱۴۰۲ هدفم در دانشگاه موفقیت در عرصه شغلی داخل کشور هستش و به نظرم دانشگاه و معدل در رسیدن به این هدف مهم است. از مشکلات دانشگاه هم تجهیز نبودن کتابخانه در رابطه با کتاب های رفرنس و مرجع هست و اینکه آگاهی سازی و بستر سازی دانشگاه برای بعد از فارغ تحصیلی دانشجویان باید فراهم شود، در مورد امور آموزشی هم قرار دادن کلاس حل تمرین برای دروس اختصاصی بشدت نیاز می شود.

سلام طاهما هستم ورودی ۱۴۰۲ دغدغه دانشجو باید مطالبگری و شناخت آسیب های اجتماعی باشد. دانشگاه در بحث آموزشی به داشتن سلسله مراتب در موضوعات آموزشی بسیار خوب عمل کرده است؛ کمبود سرویس برای رفت و آمد و اسراف در سلف و مدیریت مصرف غذا ها از مشکلات فعلی دانشگاه است.

روز دانشجو، در ایران به ۱۶ ماه آذر اطلاق می شود. این روز، به یاد سه دانشجو که هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ (حدود چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد همان سال) در دانشگاه تهران کشته شدند، گرامی داشته می شود.

سربازان و نیروهای ویژه ارتشی پس از هجوم به دانشگاه، به کلاسهای درس حمله کرده و صدها دانشجو را بازداشت و زخمی نمودند. نیروهای امنیتی در دانشکده فنی، اقدام به شلیک تیر کردند که موجب مرگ سه دانشجوی این دانشکده به نامهای احمد قندچی، آذر (مهدی) شریعت رضوی و مصطفی بزرگنیا شد. فردای آن روز نیکسون به ایران آمد و دکترای افتخاری در رشته حقوق را در دانشگاه تهران که در اشغال مشهود نیروهای نظامی بود، دریافت کرد.

به همین مناسبت به سراغ نودانشجویان می رویم تا از هدف شان برای ورود به دانشگاه مطلع شویم....

سلام دوست عزیز لطفا خودتون رو معرفی کنید.

هدفتون از ورود به دانشگاه چیه؟ و آیا با مشکلی در ترم یک مواجه شده اید؟

سلام حمیدرضا شهیدی هستم دامپزشکی رسالت دانشجو در درجه اول دریافت آگاهی و سپس آگاهی سازی جامعه، چه در مباحث علمی و تخصصی و چه در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. در باره ی دانشگاه هم زمان باز بودن کتابخونه دانشگاه در بازه امتحانات باید بیشتر باشد. ساعت تردد خوابگاه حداقل ۱۲ شب باشد. و یک سیستم یا ساز و کاری برای گزارش کم کاری های برخی اساتید انگشت شمار ایجاد بشود بدون اینکه دانشجو در مقابل استاد متضرر شود.

انسان؛ موجودی بی‌نهایت طلب

وجود ما وسعتی بی‌نهایت دارد و به همین میزان در خود بی‌نهایت احساس نیاز می‌کنیم

استاد محمد شجاعی

طور مداوم در حال دخل و تصرف در این دنیا هستیم. با این امید که شاید بتوانیم، با ایده‌های نو حس تنوع‌طلبی و نواخواهی وجود خود را ارضا کنیم. حسی که هیچ حد و نهایتی برای آن وجود ندارد.

آرزوهایی نامحدود در دنیایی محدود

وجود ما وسعتی بی‌نهایت دارد و به همین میزان در خود بی‌نهایت احساس نیاز می‌کنیم. ما همه چیز را می‌خواهیم و از همه چیز بهترین آن را می‌خواهیم. بیشترین ثروت، بیشترین محبوبیت و شهرت، بیشترین علم و... می‌توان گفت، بی‌نهایت تنها خواسته ماست. بی‌نهایت از هر چیزی که می‌شناسیم. پس در هر سطحی از شناخت که باشیم، بی‌نهایت را در همان سطح معنا کرده و زندگی خود را بر اساس این معنا بنا می‌کنیم. در نتیجه؛ اگر شناخت درستی از خود به عنوان یک انسان نداشته باشیم، اسیر خواستنی‌های ابعاد پایینی وجود خود خواهیم شد. اما این میل بی‌نهایت طلبی از کجا آمده؟ وقتی جهان و عمر ما محدود است، چرا باید چنین میلی در وجود ما باشد؟ میلی که با حضورش آرامش را از زندگی ما گرفته و ما را همواره به دنبال رسیدن به خواسته‌هایی بی‌پایان سرگردان کرده است؟ آیا راهکاری برای ریشه کن کردن این میل وجود دارد؟ آیا اگر جلوی این میل را بگیریم، به آرامش خواهیم رسید؟ مگر نگفتیم که هیچ آرزویی بی‌جهت و بی‌ریشه در ذهن ما شکل نمی‌گیرد، پس چگونه می‌توان جوابی برای این تناقض پیدا کرد؟

نکته مهمی که عموماً از آن غافل شده ایم، این است که همه ابعاد وجود ما بی‌نهایت نیستند. ما ظرفیت و پتانسیل دریافت و پذیرش بی‌نهایت در تمام ابعاد وجودمان را نداریم. حتی اگر چنین ظرفیتی در وجود ما باشد، عمر محدود دنیایی ما کفاف رسیدن به همه خواسته‌هایمان را نمی‌دهد.

در نتیجه، سرنوشت بی‌نهایت‌طلبی ما در قوای پایینی نفس چیزی جز اضطراب و ناآرامی نخواهد بود. ما چیزی را می‌خواهیم که نمی‌توانیم داشته باشیم و رنجی از این بالاتر وجود ندارد. اگر ظرفیت ابعاد وجودی انسان را به پنج پیمانانه با اندازه‌هایی مشخص تشبیه کنیم، بهتر می‌توانیم به این نتیجه دست یابیم که نمی‌توان بی‌نهایت آب را در یک پیاله کوچک ریخت؛ در نتیجه، بی‌نهایت کمال را هم نمی‌توان در جسم کوچک و محدود و یا عمر کوتاه انسان گنجاند. پس چاره چیست؟ و چگونه باید این میل را مدیریت کرد؟

دنیای ما دنیایی است پر از انسان‌هایی با خواسته‌های نامحدود، که هیچ وقت دست از خواستن برنمی‌دارند، اما به راستی بی‌نهایت طلبی چیست؟ آیا حقیقتاً هیچ سقفی برای آرزوهای انسان وجود ندارد؟ بیایید دنیایی را تصور کنیم، که با جهان ما متفاوت است، دنیایی که در آن هیچ کس آرزویی ندارد. هیچ خواسته‌ای نیست. هیچ کس طالب هیچ چیزی نیست. اصلاً چیزی برای خواستن وجود ندارد. چه احساسی دارید؟ دنیای عجیب و پزمرده‌ای است. تصور انسان‌هایی در تلاش و تکاپو در این دنیا سخت است؛ زیرا آرزو موتور حرکت و حیات قلب است و انسانی که چیزی نخواهد، افسرده و پژمرده خواهد شد.

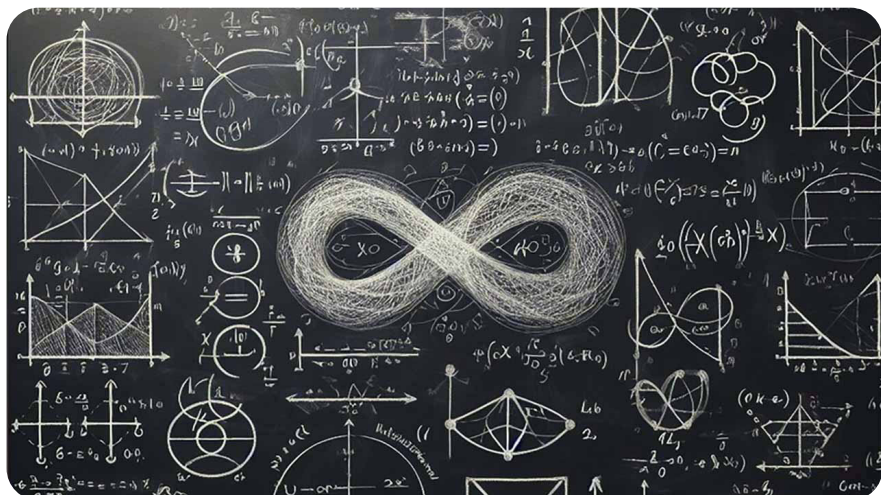
حالا برمی‌گردیم به دنیای واقعی که دنیایی پر از حرکت و طلب و خواستن است، دنیایی پر از تکاپو برای به دست آوردن و رسیدن. دنیایی که در آن هنوز کاری به اتمام نرسیده، فکر کاری دیگر به ذهنمان خطور می‌کند. گاهی از فرط این خواستن‌های مداوم، آرام و قرار نداریم. پر از طلب‌ها و آرزوهایی هستیم، که انتهایی برای آنها وجود ندارد. همه ما نه ماه را در محیط تنگ و تاریک رحم مادر سپری کردیم و بعد پا به دنیایی هزار رنگ و پر از شگفتی گذاشتیم، اما انگار این دنیا با همه وسعت و گوناگونی‌اش هنوز برای ما کوچک و محدود است، در این دنیای بزرگ هنوز راضی و آرام نیستیم و در پی کشف سیاره‌ها و کهکشان‌های دیگریم، اما نگران نباشید، این بخشی از ذات ماست. بله، ما بی‌نهایت طلبیم! اما به درستی نمی‌دانیم که بی‌نهایت طلبی چیست؟

بی‌نهایت‌طلبی؛ میلی که نیاز به اثبات ندارد.

اگر از ما بپرسند، چند میلیارد لازم داری تا به تمام آرزوهایت بررسی؟ احتمالاً لیستی از آرزوها در ذهنمان شکل خواهد گرفت و مطمئناً بعد از اولین محاسبه یادمان می‌افتد، که چند چیز را از قلم انداخته‌ایم! انگار در این دنیا هیچ نهایتی برای خواسته‌هایمان وجود ندارد و هیچ چیز ما را قانع نمی‌کند. به همین دلیل است که بی‌نهایت طلب بودن انسان نیازی به اثبات ندارد. کافی است هرکس نگاهی به زندگی خود و آرزوهایش بکند، تا این گذاره را بپذیرد. آیا سقفی برای خواسته‌هایمان قائل هستیم؟ یا درست در زمانی که می‌خواهیم نقطه پایانی برای لیست بلند و بالایمان بگذاریم، بلافاصله آرزو و خواسته دیگری به ذهنمان می‌رسد؟ وارد هر حرفه‌ای که می‌شویم، می‌خواهیم در آن بهترین باشیم. حتی اگر مدال طلای المپیک را کسب کنیم، به فکر رکورد در تعداد آن می‌افتیم. ما مدام در حال سیر کردن بین خواسته‌هایی هستیم، که نمی‌توان پایانی برای آنها تصور کرد.

بی‌نهایت‌طلبی در انسان امری فطری است و همواره این میل سیری‌ناپذیری در ما بوده و خواهد بود. در کودکی این میل خود را با آرزوی داشتن همه اسباب‌بازی‌ها و خوراکی‌های دنیا نشان می‌داد و در بزرگسالی به آرزوی بی‌پایان خواستن کامل هر چیزی که می‌شناسیم، تبدیل شده است. ما همه چیز را در بهترین کیفیت برای خود می‌خواهیم و این آرزو هرگز متوقف نمی‌شود. بلافاصله بعد از رسیدن به مطلوبی از آن دلزده شده و به مطلوب بالاتری تمایل پیدا می‌کنیم.

به محض قبولی در کنکور کارشناسی به فکر ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر هستیم. اولین حقوق‌مان را که می‌گیریم، فکر سرمایه‌گذاری به سرمان می‌زند و در انتخاب همسر کسی را در رؤیا می‌بینیم، که تمام زیبایی و مهربانی دنیا را یک جا داشته باشد. ذائقه بی‌نهایت طلب ما با هیچ سطحی از علم سیر نمی‌شود؛ در نتیجه به





شما می توانید نظرها و پیشنهادهای خود را پیرامون این نشریه از طریق آیدی ما به نشانی @sku_jad به اطلاع ما برسانید.

مروری بر فعالیت های اخیر تشکل جامعه اسلامی

جهت اطلاع از برنامه های تشکل، می توانید در پیام رسان های اینستاگرام، تلگرام و ایتا به نشانی @Jad_sku@ ما را دنبال کنید



کارگاه آموزشی

با حضور جناب آقای نفیسی مهر
ویژه اعضای شورا و اعضای فعال



نشست مطالبه گری

با حضور دکتر راستینه (نماینده مجلس)
و مسئولین دانشگاه



اکران فیلم شماره ۱۰

ویژه نودانشجویان



اردوی آموزشی-تفریحی

با حضور دکتر مولوی
دکتر صمیمی
و حجت الاسلام مالک حسینی



برپایی نمایشگاه کتاب

به مناسبت روز دانشجو
با حضور مسئول نهاد رهبری



اردوی تشکیلاتی مشهد مقدس

به همراه برنامه های متنوع آموزشی-فرهنگی
با حضور اساتید و ادوار تشکل